



اولین همایش ملی رهیافت های علوم کشاورزی در پرتو قرآن

اسفند ماه ۱۳۹۴

دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

بررسی اهمیت و فرآورده های دام چراکننده در مراتع در زندگی انسان از منظر قرآن

منصوره قوام

استادیار گروه مرتع و آبخیزداری، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین دانشگاه کاشان

Email: mghavam@kashanu.ac.ir

چکیده

قرآن کتاب هدایت و سعادت و خبرهای راست از گذشته و آینده است. قرآن راهنمای نجات بشر از زشیتها و تاریکیها و درد و رنجها و رساندن او به کمال و ابدی شدن است. مراتع چمن زارهای سبز طبیعی است که متاثر از بارش باران و برف، فضای مناسبی را برای دام و طیور فراهم می آورد تا در آن به چریدن و تغذیه مشغول شوند. واژه «نعم» یک بار و واژه «انعام» ۳۲ بار در قرآن به کار رفته است؛ همچنین ششمین سوره قرآن «انعام» نامیده شده که شاید وجه این نامگذاری، بیان تفصیلی احوال چهارپایان در این سوره باشد. مقاله حاضر قطره ای است از دریای اعجاز قرآن در زمینه کاربردهای دام های چراکننده در مراتع.

واژگان کلیدی: قرآن، دام، انعام

مقدمه

اسلام دین کامل و جامعی است که به تمام نیازهای فطری انسان توجه کامل داشته و برای تمام نیازهای جسمی و روحی، ابعاد مختلف، زوایای پیدا و پنهان زندگی بشر برنامه و شیوهی کار ارائه کرده است.

هدفدار بودن خلقت جهان هستی و خلقت موجودات و انسانها و نیز بیهوده و عبث خلق نشدن پدیدههای هستی به ویژه انسان به نحوی صریح و گویا در قرآن کریم اشاره شده است. *أَفَحَسِبْتُمْ...؛ آیا پنداشته اید که شما را بیهوده آفریده ایم، مسیر زندگی نوع بشر با توجه به هدفدار بودن خلقت و نیز با توجه به مبداء و معاد جهان، از طریق انبیاء الهی تبیین و هدایت و راهنمایی شده است.*

قرآن سراسر کتاب هدایت و سعادت و خبرهای راست از گذشته و آینده است. قرآن راهنمای نجات بشر از زشیتها و تاریکیها و درد و رنجها و رساندن او به کمال و ابدی شدن است. اما باورمندان این گفته ها جز عده اندکی نیستند. بدین رو قرآن با نشانه هایی که درخور فهم همگان باشد و هیچ انسانی نتواند مانند آن را بیاورد و به خدا نسبت دهد، حقایق گفته های خود را به اثبات می رساند (خراسانی، ۱۳۸۲).

مرتع از مهم ترین منابع اقتصادی است؛ زیرا منبع اصلی رویش گیاه برای پرورش دام و طیور است. مراتع چمن زارهای سبز طبیعی است که متاثر از بارش باران و برف، فضای مناسبی را برای دام و طیور فراهم می آورد تا در آن به چریدن و تغذیه مشغول



اولین همایش ملی رهیافت های علوم کشاورزی در پرتو قرآن

اسفند ماه ۱۳۹۴

دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

شوند. مرتع یا چراگاه (فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۳۹۹۲) در حقیقت سبزه زاری است که چهارپایان و جانوران در آن می چرند و از گیاهان و موجودات آن تغذیه می کنند. اصطلاح مرتع به چراگاهی گفته می شود که دارای آب و علف بسیار باشد. (لغت نامه، دهخدا، ج ۱۲، ص ۱۸۲۰۲)

با این همه نباید فراموش کرد که از جمله مهم ترین فواید و آثاری که برای مراتع می توان بر شمرد، تغذیه انسان و دام است. تنوع گیاهان در مراتع فراهم آورنده زمینه مناسب برای تغذیه انسان و انواع دام ها و طیور دارد. (یونس، آیه ۲۴؛ نحل، آیه ۱۰؛ طه، آیات ۵۳ و ۵۴؛ سجده، آیه ۲۷؛ نازعات، آیات ۳۱ و ۳۳؛ عبس، آیات ۲۵ تا ۳۲)

خداوند مراتع را با بارش باران پدید می آورد (یونس، آیه ۲۴) تا انسان و دام بتوانند با بهره مندی از تنوع گیاهی موجود در آن تغذیه کنند. تنوع گیاهی موجب می شود تا هر انسان و جانوری با توجه به سلیقه و ذائقه خود، گیاه مطلوب خود را در مرتع بیابد و از آن تغذیه کند؛ چرا که هر دامی به گیاه خاصی علاقه نشان می دهد. به عنوان نمونه اسب فقط از گیاهان تیره گرامینه تغذیه می کند و از این لحاظ به گونه های دیگر مقدم است. بنابراین می توان گفت که گیاهان تیره گرامینه برای اسب از سایر گیاهان علوفه ای خوشخوراک تر است. گوسفند در انتخاب نوع علوفه چندان دقیق نمی باشد و با هر نوع علوفه ای سد جوع می نماید. بز از هیچ نوع گیاه و درختچه ای که در مسیر خود بیابد روی نمی گرداند و بیشتر شن زارها و زمین های خشک را برای چرا انتخاب می کند. گوسفند همواره مایل است در زیر سایه درختان چرا نماید و از این لحاظ چرا گاه های مشجر را بر سایر چراگاههای غیر مشجر ترجیح می دهد

تفسیر واژه انعام

واژه «انعام» جمع «نَعَم» در اصل به جهت اهمیت شتر نزد عرب و به شمار آمدن آن از نعمتهای ویژه به سبب اجتماع منافع شیردهی، باربری، رکوب و مصرف خوراکی گوشت آنیا به سبب نرمی (نعومت) یا (مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۷۰) بر این حیوان اطلاق شده و سپس به چهارپایانی چون گاو* و گوسفند تعمیم داده شده است. گروهی از واژه شناسان، شرط صحت اطلاق این واژه بر یک مجموعه از چهارپایان را، وجود شتر در آن مجموعه می دانند. برخی نیز «انعام» را اشاره به انواع مذکور و تنها «نَعَم» را ویژه شتر دانسته اند. البته اگر وجه این نامگذاری را نرمی و آرامی حرکت بدانیم، چنان که برخی بر آن اند، اشتغال واژه «انعام» بر گاو و گوسفند و بز، غیر تبعی و تعمیم آن به اسب و استر و گورخر و .. بیوجه خواهد بود. در دامنه معنایی «انعام» به برخی آیات استدلال شده که ذیل آیات مورد نظر خواهد آمد.

واژه «نَعَم» یک بار و واژه «انعام» ۳۲ بار در قرآن به کار رفته است؛ همچنین ششمین سوره قرآن «انعام» نامیده شده که شاید وجه این نامگذاری، بیان تفصیلی احوال چهارپایان در این سوره باشد (خراسانی، ۱۳۸۲)

کاربردهای دام های چرا کننده در زندگی انسان:

آیه ۵ نحل/ ۱۶ پس از بیان آفرینش انسان به آفرینش چهارپایان برای منفعت رسانی به انسان پرداخته است (التبیان، ج ۶، ص ۳۶۱ - ۳۹): «وَالْأَنْعَمَ خَلَقَهَا لَكُمْ ...» و در ادامه به ذکر فواید آن اشاره کرده است. ابتدا به هرگونه پوشش حاصل از پوست*، پشم*،



اولین همایش ملی رهیافت های علوم کشاورزی در پرتو قرآن

اسفند ماه ۱۳۹۴

دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

کرک و موی چهارپایان دامی، با واژه «دفع» اشاره کرده، سپس با کلمه «منافع» به شیر* و مشتقات آن، منفعت رکوب، منافع حاصل از پوست و پشم و کرک و موی آنها (التبیان، ج ۶، ص ۳۶۱ - ۳۶۲؛ مجمع البیان، ج ۶، ص ۵۳۹) غیر از پوشش پرداخت و سپس با جمله «و مِنْهَا تَأْكُلُونَ» به گوشت چهارپایان دامی اشاره دارد که هر سه مجموعه در زندگی انسان نقش مهمی ایفا می کنند: «... فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» برخی تقدم «منافع» بر «مِنْهَا تَأْكُلُونَ» را به ارزش و اهمیت بیشتر لنبیات نسبت به گوشت، اشاره دانسته اند (نمونه، ج ۱۱، ص ۱۵۹).

در آیه بعد شکوه و زیبایی بازگشت گله چهارپایان به استراحتگاه و نیز هنگام رفتن به چراگاه را متذکر شده و از این رفت و برگشت به «جمال» یعنی زینت تعبیر کرده است: «و لَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَ حِينَ تَسْرَحُونَ» (نحل/۱۶) که دیدن این دو منظره زیبا مایه سرور انسان است: برخی استغنا و خودکفایی و استقلال اقتصادی حاصل از این امور را وجه جمال و زینت بودن دانسته اند. (نمونه، ج ۱۱، ص ۱۵۹). وجه تقدم «زمان بازگشت به استراحتگاه» بر «زمان رفتن به چراگاه» را فزونی زیبایی زمان بازگشت به جهت سیر بودن گله و نیز پر شیر بودن پستانهای آن و ... بر زمان رفت دانسته اند (التبیان، ج ۶، ص ۳۶۲) در آیه ۷ نحل/۱۶، به حمل بارهای سنگین به آبادیهای دور و در راههای دشوار به وسیله انعام پرداخته که البته این قسمت تنها شتر و بعضی گاوهای باربر را شامل می شود: «و تَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِلَاغِهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ» در پایان این مجموعه آیات، آفرینش چهارپایان و تسخیر آن را برای آدمی نتیجه رحمت و رأفت الهی دانسته است «إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ» در آیات بعد، از دسته ای دیگر از حیوانات چون اسب، استر و الاغ نام برده و آنها را برای رکوب و مایه زینت دانسته است. برخی از این تقابل، انحصار «انعام» در گاو و شتر و گوسفند و عدم شمول آن بر اسب و الاغ و استر را استفاده کرده اند.

برخی مفسران با توجه به این مجموعه آیات گفته اند که پس از انسان، حیوانات، به جهت وجود قوای باارزش حواس ظاهری و باطنی و ... از همه موجودات مادی شریف ترند و از این میان چهارپایان به جهت بهره وری انسان از آنها، در امور ضروری و مهم زندگی، از همه حیوانات کامل تر و شریف ترند، از همین رو در این مجموعه آیات بلافاصله پس از بیان آفرینش آدمی، به آفرینش چهارپایان دامی پرداخته شده و سپس دیگر حیوانات و امور دیگری چون کشاورزی و تسخیر شب و روز و ... مطرح شده است.

در آیه ۸۰ نحل/۱۶ به شکل جزئی تر به منافع حاصل از پوست و پشم و کرک و موی انعام پرداخته شده است: «... وَ جَعَلْ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَ يَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَ مِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَثًا وَ مَتَعًا إِلَىٰ حِينٍ» که از پوست آنها خانه های سبک و قابل حمل (خیمه) و از پشم و کرک و موی آنها لوازم و اثاث منزل همچون فرش و لباس و پوشاکهای متنوع دیگر ساخته می شود. برخی این آیه را با توجه به سه واژه «اصواف»، «اوبار» و «اشعار» دلیلی بر اشمال «انعام» بر گاو و گوسفند و بز، افزون بر شتر.

آیات ۷۱ - ۷۳ نیز آفرینش انعام را به دست خداوند، برای انسان دانسته و به مالکیت انسان بر آنها اشاره کرده و همچنین رام شدنشان و در نتیجه، بهره برداری از سواری و گوشت آنها و سپس دیگر منافع آن و نوشیدن آنها (شیر) را مطرح کرده است: «أَو لَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ * وَ ذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَ مِنْهَا يُأْكُلُونَ * وَ لَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَ مَشَارِبٌ ...» که مقصود از آفرینش انعام به دست خداوند، عدم مشارکت انسان در آن و اختصاص این آفرینش به خداست و



اولین همایش ملی رهیافت های علوم کشاورزی در پرتو قرآن

اسفند ماه ۱۳۹۴

دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

مقصود از خلقت انعام برای انسان بیان اختصاص این آفریده به انسان و در نتیجه مالکیت انسان بر آنهاست. (المیزان، ج ۱۷، ص ۱۰۹).

حضرت هود نیز برای تحریک حس شکرگزاری قومش در برابر نعمتهای الهی، از ذکر نعمت امداد به وسیله انعام و فرزندان بهره برده است: «وَاتَّقُوا الْاٰذَى اَمَدًا كَمَا تَعْلَمُونَ * اَمَدًا كَمَا بَانَعْم وَبَيْنَ» (شعراء/۲۶، ۱۳۲ - ۱۳۳). آیات ۷۹ - ۸۰ غافر/۴۰ نیز به آفرینش چهارپایان برای سواری و مصرف گوشت آنان و منافع دیگر پرداخته است: «اَللّٰهُ اَلَّذِی جَعَلَ لَكُمُ الْاَنْعَمَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَاْكُلُونَ * وَلكُمْ فِيهَا مَنَفِعٌ...» مفسران «جعل» را به معنای «خلق» یا «تسخیر» دانسته‌اند. (المیزان، ج ۱۷، ص ۱۰۹). در این آیه قید «لِتَرْكَبُوا مِنْهَا» به منفعت سواری و قید «لَكُمْ فِيهَا مَنَفِعٌ» نیز به منافی دیگر چون منفعت استفاده در شخم زدن و نیز استفاده از سرگین در تقویت زراعت و تهیه سوخت و ... اشاره دارد. (نمونه، ج ۲۰، ص ۱۸۹). در ادامه آیه به استفاده از چهارپایان دامی برای رسیدن به مقاصد مورد نظر اشاره می‌کند و از سوار شدن بر آنها در خشکی، در کنار رکوب بر کشتی در دریا، یاد می‌کند: «... وَ لِيَتَّبِعُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَ عَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ» (غافر/۴۰، ۸۰) تقارن چهارپایان و کشتی برای رکوب در آیات ۱۲ زخرف/۴۳ و ۲۲ مؤمنون/۲۳ نیز دیده می‌شود: «وَالَّذِی خَلَقَ الْاَزْوَاجَ كُلَّهَا وَ جَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ الْاَنْعَمَ مَا تَرْكَبُونَ» و «عَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ» و در ادامه غایت و غرض این آفرینش را رکوب و استقرار بر آن و یادآوری نعمت پروردگار و شکرگزاری و تسبیح خداوند (به جهت تسخیر این مرکبها) دانسته است: «لِتَسْتَوُوا عَلٰی ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةً رَبِّكُمْ اِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَ تَقُولُوا سُبْحٰنَ الَّذِی سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَ...» (زخرف/۱۳، ۴۳) برخی با توجه به مسئله رکوب مطرح شده در این مجموعه آیات، «انعام» را تنها به شتر یا شتر و گاو منحصر کرده‌اند (التبیان، ج ۹، ص ۹۸) و برخی دیگر به همین جهت، «الاع» و دیگر حیوانات مناسب رکوب را نیز داخل در آن دانسته‌اند. (التبیان، ج ۹، ص ۱۸۶) با توجه به آیه ۷۰ اسراء/۱۷ که جا به جایی انسان را در خشکی و دریا اکرام و موهبتی الهی برای نوع بشر دانسته، آفرینش اسباب و ابزار این جابه جایی، از جمله چهارپایان، نیز از مواهب الهی هستند که وجود این مرکبها بر گستره فعالیت زندگی آدمی افزوده است.

از مجموعه آیات ذکر شده می‌توان به هدف از آفرینش چهارپایان دامی و نقش آن در زندگی انسان و وظیفه او در برابر این نعمت پی برد، چنان که آیه ۳۶ حج/۲۲ پس از بیان ذبح قربانی، غایت تسخیر انعام را شکرگزاری دانسته است: «... كَذٰلِكَ سَخَّرْنَا لَكُم لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» همچنین آیه ۳۷ حج/۲۲ نیز هدف را یادکرد خداوند به عظمت دانسته است: «... كَذٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتَكْبُرُوا اللّٰهَ عَلٰی مَا هَدٰكُمْ...»

در آیات ۶۶ نحل/۱۶ و ۲۱ مؤمنون/۲۳ انعام، مایه عبرت انسان دانسته شده‌اند. در هر دو آیه پس از بیان عبرت* بودن چهارپایان دامی از ماده غذایی مفید (شیر) یاد می‌کند و سپس به پیدایش شیر از میان فرث (سرگین) و دم (خون*) اشاره می‌کند. از این بیان استفاده می‌شود که وجه عبرت بودن انعام، چگونگی تولید مایعی گوارا از ماده‌ای همچون خون است که طبق بیان محققان برای تولید یک لیتر شیر لازم است ۵۰۰ لیتر خون از عضو سازنده شیر در پستانها بگذرد و برای تولید یک لیتر خون در رگها باید مواد غذایی فراوانی از روده ها بگذرد. (نمونه، ج ۱۱، ص ۲۹۲). و یا شاید وجه عبرت بودن این پدیده آن باشد که کسی که شیر را از سرگین و خون، پاک نگاه داشته و از اختلاط آنها جلوگیری کرده، قادر است که انسان را دوباره زنده کند، هرچند استخوانش پوسیده و اجزایش در زمین گم شده باشد (مجمع‌البیان، ج ۶، ص ۵۷۲) چنان‌که گفته شده: «عبرت» دلیلی است که با آن بر مدبر



اولین همایش ملی رهیافت های علوم کشاورزی در پرتو قرآن

اسفند ماه ۱۳۹۴

دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

بودن خداوند در امر آفرینش، استدلال می‌شود (المیزان، ج ۱۵، ص ۲۳) و ایجاد و آفرینش شیر از مدبر بودن خداوند حکایت می‌کند، چنان‌که انقیاد و رام شدن چهارپایان دامی در برابر انسان و بهره‌برداری از آنها و استفاد از شیر و گوشت و سواری آنها نیز بر این تدبیر دلالت دارد در ادامه آیه ۲۱ مؤمنون/۲۳ و در آیات بعد به منافع فراوان و همچنین مصرف خوراکی و رکوب بر آنها پرداخته شده است که این امور نیز با لازمه آن، یعنی انقیاد چهارپایان دامی مایه عبرت است: «... و لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ * وَ عَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ» (مؤمنون/۲۱، ۲۳ - ۲۲)

در آیه ۲۷ فاطر/۳۵، عبرت گرفتن از تنوع و گوناگونی رنگ مردم و انعام را که موجب ایمان حقیقی و خشیت الهی است ویژه آگاهان و عارفانی می‌داند که شناخت کامل به اسما و صفات و افعال خداوندی دارند (المیزان، ج ۱۷، ص ۴۳).

آیه ۱۴۲ انعام/۶ چهارپایان دامی را به دو دسته «حَمُولَهُ» و «فَرَش» تقسیم کرده که در مجموع حموله به چهارپایانی با قابلیت حمل بار و سواری دادن (مانند شتر) و فرش به چهارپایانی که بر اثر کوچکی اندام چنین قابلیت‌هایی نداشته و تنها از گوشت و شیر آنها استفاده می‌شود (مانند گوسفند و بچه شتر) اطلاق می‌شود: «وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَفَرَشٌ...» آیه پس از این تقسیم‌بندی، به خوردن روزیهای الهی فرمان داده و انسان را از پیروی گامهای شیطان بازداشته است. از این قسمت آیه استفاده می‌شود که تحریم حلال خدا که مردم در جاهلیت به آن می‌پرداختند، خواسته شیطان و پیروی از این خواسته است.

در ادامه این مجموعه چهارپایان دامی را به تفصیل به ۸ زوج تقسیم کرده است: «تَمْنِيَةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعَزِ اثْنَيْنِ...» (انعام/۶، ۱۴۳ - ۱۴۴) ۸ زوج بودن چهارپایان دامی چهارگانه به اعتبار نر و ماده یا اهلی و وحشی بودن (مجمع‌البیان، ج ۴، ص ۵۸۱) این مجموعه است. ذکر این ۸ زوج و آفرینش آنها برای انسان در آیه ۶ زمر/۳۹ نیز آمده است: «... وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ تَمْنِيَةَ أَزْوَاجٍ...» که در معنای انزال انعام، ایجاد و آفرینش یا فرود آمدن از بهشت به عالم دنیا (مجمع‌البیان، ج ۸، ص ۷۶۶) گفته شده است. البته چون اصل و خزانه هر چیز نزد خداست، به‌کارگیری تعبیر انزال درباره آفرینش چهارپایان می‌تواند تعبیری استعاری باشد

در آیه ۱۱ شوری/۴۲ نیز پس از بیان آفرینش همسرانی برای انسان، به خلقت ۸ زوج چهارپایان دامی اشاره شده است (جامع‌البیان، مج ۱۳، ج ۲۵): «جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا...» و سپس با قید «يَذُرُّكُمْ فِيهِ» به مسئله تکثیر و تولید مثل این ازواج اشاره می‌کند، گرچه خطاب «يَذُرُّكُمْ فِيهِ» با توجه به ضمیر «كُمْ» به ظاهر تکثیر و تولید مثل انسان را بیان می‌دارد. شاید استفاده از ضمیر «كُمْ» که مخصوص عقلاست تغلیباً به‌کار رفته و به همه (انسان و انعام) برگردانیده شود (المیزان، ج ۱۸، ص ۲۶)، زیرا حکم تکثیر مثل، با توجه به «ازواج» در مورد چهارپایان دامی نیز جاری است. البته برخی وجه عدم بیان تکثیر انعام را به جهت جلوگیری از کاستن مقام انسان دانسته‌اند (نمونه، ج ۲۰، ص ۳۶۶) که شاید این توجیه با خود آیه که «ازواج» را برای آدمی و چهارپایان دامی در کنار هم ذکر کرده نقض گردد، چنان که نقض آن با آیاتی که پس از ذکر مجموعه‌ای از نعمتها، آنها را مایه برخوردار کردن انسان و انعام دانسته نیز متصور است.

آیات ۳۰ - ۳۳ نازعات/۷۹ پس از بیان گسترانیدن زمین و بیرون آوردن آب و رویانیدن چراگاه از آن و ... همگی را مایه برخوردار کردن انسان و انعام دانسته است: «وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا... مَتَّعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ» همچنین آیات ۲۵ - ۳۲ عبس/۸۰ پس از بیان



اولین همایش ملی رهیافت های علوم کشاورزی در پرتو قرآن

اسفند ماه ۱۳۹۴

دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

نزول آب از آسمان و شکافتن زمین با رویدادهای درختان میوه و ... هدف آن را برای زندگی انسان و انعام دانسته است: «أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ... مَتَعًا لَكُمْ وَلِأَنْعِمَكُم» این خلقت و تدبیر که بهره‌مندی انسان و چهارپایان - که آنها نیز برای بهره‌مندی انسان آفریده شده‌اند - را به همراه دارد، شناخت خداوند و مقام او و شکرگزاری نعمتش را لازم می‌گرداند. افزون بر اشتراک توالد و تناسل میان انسان و انعام، اشتراک در تنوع رنگ نیز در قرآن بیان شده است؛ در آیه ۲۷ فاطر/۳۵ به دنبال بیان نزول آب از آسمان و رویانیدن میوه‌های رنگارنگ و متنوع و ... به پدیده تنوع رنگ انسانها و چهارپایان دامی و ... توجه داده شده است که این بیان برای استدلال بر وحدانیت خداوند و اختصاص برخی صفات به ذات مقدس اوست (التبیان، ج ۸، ص ۴۲۶): «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا (خراسانی، ۱۳۸۲).

دام بز به عنوان نمونه ای از دام ها در قرآن

واژه «مَعَزٌ» به معنای بز در قرآن فقط یک بار (انعام/ ۶، ۱۴۳) به کار رفته است؛ اما واژه «غَنَمٌ» به معنای گوسفند که شامل بز نیز می‌شود (مجمع‌البیان، ج ۴، ص ۵۸۱) در سه جای قرآن به کار رفته، و همین‌طور در آیات فراوانی در ضمن واژه «انعام»* (بز، میش، گاو و شتر) به بز و فواید آن اشاره شده است؛ همچنین بز از موارد قربانی است که در قرآن با واژه‌های «هدئی» و «نُسُكٌ» (بقره/ ۲، ۱۹۶) به آن اشاره شده است.

قرآن ضمن تصریح به حلال بودن گوشت بز (انعام/ ۶، ۱۴۳) آن را در کنار چارپایان دیگر، از نعمتهای بزرگ و پرفایده خداوند شمرده (غافر/ ۴۰، ۷۹ - ۸۰) و توجه به آنها را موجب پی‌بردن به تدبیر الهی دانسته است. (مؤمنون/ ۲۱، ۲۳)

بز، قبل از ظهور اسلام در بین عربهای حجاز مورد توجه بوده و بر اثر فواید گوناگونی که برای آنان داشت به عنوان یکی از ارکان اقتصادی جامعه محسوب می‌شد. از گوشت و پیه بز برای خوردن، از شیر آن برای نوشیدن و ساختن پنیر، کره، ماست و ...، از موی آن برای ساختن وسایل خانه و لباس و بالاخره از پوست آن برای ساختن چادر صحرائی، نیام شمشیر، مشک آب، دلو، سفره طعام، خورجین و ... استفاده می‌شد، افزون بر این برخی به مطالعه در فواید پزشکی این حیوان پرداخته و برای هریک از اجزای بز خواصی معرفی کرده‌اند که موجب حفظ سلامت انسان یا شفای برخی امراض وی می‌گردد. چون بز نسبت به میش هم علف کمتری می‌خورد و هم شیر و پیه بیشتری دارد بیابان‌نشینان به نگهداری و پرورش آن علاقه بیشتری داشتند.

فواید بز:

خداوند، بز و چارپایان دیگر را دارای فواید و منافع فراوانی برای انسان می‌داند: «وَأَنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً». (مؤمنون/ ۲۳، ۲۱) در برخی آثار تلاش برای شمارش فواید و خصوصیات گوناگون این حیوان دیده می‌شود

همچنین توجه به نعمتهای خداوند از قبیل چارپایان، انسان را به سوی تقوا و اطاعت از او سوق می‌دهد. «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ * أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَيْنٍ». (شعراء/ ۲۶، ۱۳۲ - ۱۳۳) از جمله فواید بز که در قرآن به آنها تصریح شده عبارت است از: استفاده از گوشت و پیه بز برای خوردن: «... و مِنْهَا تَأْكُلُونَ» (نحل/ ۱۶، ۵)، استفاده از شیر آن برای نوشیدن: «... نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا...» (مؤمنون/ ۲۳، ۲۱)، استفاده از پوست آن برای ساختن خیمه صحرائی: «... وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا



اولین همایش ملی رهیافت های علوم کشاورزی در پرتو قرآن

اسفند ماه ۱۳۹۴

دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ...» (نحل/۱۶، ۸۰) و استفاده از موی بز برای ساختن وسایل منزل و لباس: «... و أشعارها أثثاً و متعاً إلى حين». (نحل/۱۶، ۷۰) (جمالی، ۱۳۸۲)

تفسیر اختصاصی شیر دام در قرآن و مصادیق آن در یافته های علمی

و إن لكم في الأنعام لعبرةً نسقيكم مما في بطونه من بين فرثٍ و دمٍ لبناً خالصاً سائغاً للشاربين) نحل/۶۶

البته در دامها (شتر و گاو و گوسفند و بز) برای شما عبرتی است؛ از آن چیز که در شکمهای آنها است از بین مواد گوارشی و خونی، به شما شیری خالص و گوارا می نوشانیم.

توضیح برخی از واژه های آیه

۱. انعام: کلمه انعام در عموم لغتنامه ها فقط به شتر و گاو و گوسفند اطلاق شده ولی قرآن در یک جایز را هم به آنها اضافه کرده و تعداد آنها را ۸ زوج (یعنی ۴ جفت) دانسته است:

(و من الأنعام حمولاً و فرشاً... ثمانية أزواج من الضأن اثنين و من المعز اثنين... و من الإبل اثنين و من البقر اثنين...) انعام/۱۴۴ - ۱۴۲

و [بخورید از آنچه روزی کرده شما را خدا] از انعام باربر و ذبح شدنی... هشت زوج؛ از گوسفند دو تا و از بز دو تا... و از شتر دو تا و از گاو دو تا...

و در جای دیگر بدون نام بردن از انعام، شمار آنها را هشت زوج دانسته است:

(و أنزل لكم من الأنعام ثمانية أزواج...) زمر/۶

و فرود آورده است برای شما از انعام، هشت زوج را....

ازواج، جمع زوج است که هم به معنای عدد دو است و هم به معنای یکی است که همراه جفت خود باشد. ۱ پس یک شتر نر یک زوج است، و یک شتر ماده یک زوج و همین گونه سایر انعام.

۲. فَرْتٌ: آنچه از لغتنامه درباره این کلمه به دست می آید این است که (فرث) آن چیزی است که در ظرف مناسب خود جای گرفته باشد، مانند محتویات شکمبه و اگر آن ظرف بیرون بریزد فعل آن از ماده (ف ر ث) خواهد بود.

کاربردهای فعلی آن نمودهای گوناگونی دارد، از جمله:

- اگر کسی شکمبه چهارپا را شکافت و سرگین (محتویات شکمبه) را بیرون آورد، گفته می شود: فَرَثَ الكَرشَ.

- اگر کسی ظرف خرما را - که از برگ خرما می سازند - شکافت و خرما می میان آن را پراکنده کرد، گفته می شود: فَرَثَ الجَلَّةَ.



اولین همایش ملی رهیافت های علوم کشاورزی در پرتو قرآن

اسفند ماه ۱۳۹۴

دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

- اگر کسی کبد شخص زنده ای را ضربه زد و شکافت و آن را پراکند (چون خون و جگر تقریباً هم رنگند، وقتی کبد شکافت بر می دارد و خون از آن بیرون می ریزد به نظر می آید که جگر پراکنده شده و بیرون می ریزد) گفته می شود: فَرَثَ كَبِدَهُ.

- اگر زن آبستن و بار کند و غذا را بیرون بریزد، گفته می شود: فَرَثَ الحَبْلِي.

- اگر کسی یاران خود را نزد حاکم رسوا کند، گفته می شود: (أَفَرَثَ أصحابه، چرا که محتویات رازگونه آنها را فاش و آشکار ساخته است.

لغت های دیگری که از این ماده به کار رفته اند از قرار زیر هستند:

فَرِثٌ: انسان سیر ؛ الْفُرَاثَةُ: الْفَرِثُ؛ مَفْرَثٌ: جایی که محتویات شکمبه گوسفند و غیر آن در آن ریخته می شود. جمع آن مَفَارِثُ است.

چنان که از کاربردهای این کلمه و فعلها و اسمهای مشتق از آن فهمیده می شود، (فرث) فقط به معنای آن چیزی نیست که در ظرف مناسب خود جای گرفته باشد، بلکه یا باید با باز شدن و شکافتن آن ظرف بیرون بریزد و یا آن چیز قابلیت بیرون ریختن داشته باشد. پس لازم نیست فقط آنچه که در شکمبه است (فَرِثٌ) باشد، بلکه آنچه در روده ها هست نیز می تواند (فرث) باشد، بویژه که می بینیم کلمه (مَفْرَثٌ) و جمع آن (مَفَارِثٌ) که اسم مکان است، بر محل ریختن محتویات هم شکمبه و هم روده اطلاق می شود.

همچنین باید دانست که محتویات گوارشی تا وقتی که در بدن حیوان هستند (فَرِثٌ) نامیده می شوند، ولی آن گاه که از مخرج بیرون آیند (رَوِثٌ) گفته می شوند.

مراد از موصول در آیه

کلمه (عبرة) در جایی به کار می رود که بخواهند با آوردن یک نمونه، موارد همانند را با آن بسنجند. مثلاً اگر کسی را که از روی عمد بی گناهی را کشته در حضور مردم به دار می کشند، می خواهند او را مایه عبرت قرار دهند، یعنی به مردم بگویند که موارد مشابه را چنین مجازات خواهیم کرد.

و یا اینکه به معنای پند و موعظه و سنجدیدن وضعیت است که در آن صورت این آیه می گوید: از آنچه می بینید بفهمید که با چه کسی روبرو هستید و او چه نعمتهایی به شما عطا کرده و شما چه وظیفه ای در برابر او دارید و... اکنون باید دید در انعام چه عبرتی است.

سپس در جمله دوم آیه می گوید: (... نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بَطْنِهِ مِنْ بَيْنِ فَرَثٍ وَ دَمٍ لِنَبَأٍ خَالِصاً سَائِغاً لِلشَّارِبِينَ)

ضمیره (ه) که به کلمه (بطون) چسبیده مذكر است و نمی تواند به کلمه (انعام) برگردد، زیرا کلمه (انعام) در حکم مؤنث است و فقط ضمیر مؤنث باید به آن برگردد. در آیه ۲۱ سوره مؤمنون می خوانیم:



اولین همایش ملی رهیافت های علوم کشاورزی در پرتو قرآن

اسفند ماه ۱۳۹۴

دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

(و إن لكم فی الأنعام لعبراً نستیکم ممّا فی بطونها و لكم فیها منافع کثیرة و منها تأکلون)

و البته برای شما در دامها عبرتی است، می نشانیم شما را از آنچه در شکمهای آنهاست و برای شما در آنها بهره های زیادی است و از آنها می خورید.

همچنان که در این آیه می بینید نیمه اول این آیه با آیه مورد نظر ما هیچ فرقی ندارد، مگر اینکه کلمه (بطون) در این آیه به ضمیر مؤنث (ها) متصل است، که این ضمیر البته بی هیچ تردید به (انعام) بر می گردد.

پس ضمیر مذکر (ه) در آیه سوره نحل به کجا بر می گردد؟

چاره ای جز این نداریم که ضمیر (ه) را به (ما) که پیش از کلمه (بطونه) قرار دارد برگردانیم. پس معنی چنین می شود: (می نشانیم شما را، از آن چیزی که در شکمهای آن چیز است... شیری خالص...) حال سؤال این است که در شکمهای چه چیزی شیر است؟ در اینجا دو احتمال وجود دارد:

نخست آن که بنابر آنچه علم می گوید شیر در سلولهای شیری تولید می شود که تعدادی از آنها در هر کیسه شیری هستند، و شماری از کیسه های شیری در هر خوشه شیری هستند، و چند خوشه شیری در غده شیری هستند، و یک غده شیری در هر پستان است؛ سپس شیر در مجاری شیری جریان می یابد. ۲

پس هر یک از آنها بطنی از بطون پستان است و نیز هر یک از آنها بطنی از بطون آن حیوانی است که نام برده شده است. پس کلمه (ما) می تواند هر یک از آنچه که دارای بطن است باشد، مثلاً کیسه یا خوشه یا غده شیری یا پستان باشد.

دوم اینکه ممکن است منظور از (ما) جنس مؤنث شیردار باشد، که در این صورت (بطون) آن نیز پستانهای آن است.

آیه در ادامه موضوع دیگری را مطرح می کند و آن اینکه این شیر سرچشمه ای دارد که از میان ماده ای گوارشی (فرث) و نوعی خون (دم) است. در اینجا لازم است به این نکته توجه کنیم که کلمات (فرث) و (دم) به دلیل اینکه مفرد و نکره هستند دلالت بر یک شخص یا یک نوع نامعلوم می کنند. ۳ پس خاستگاه و سرچشمه شیر قبل از پستان درجایی است میان یکی از مواد گوارشی و یک از خونها.

حال باید به پرسشهای چندی که در اینجا مطرح است پاسخ داد:

۱. آیا مگر مواد گوارشی متعدّدند؟ اگر متعدّد هستند، کدام یک از مواد گوارشی منظور و مقصود بوده است؟

۲. آیا مگر چند خون است، اگر چنین است، کدام یک از خونها مورد نظر بوده است؟

۳. آیا در بین آن مواد گوارشی و آن خون چیزی هست، اگر هست چیست و کار آن کدام است؟

۴. عبرتی که در این موضوع است چیست؟



اولین همایش ملی رهیافت های علوم کشاورزی در پرتو قرآن

اسفند ماه ۱۳۹۴

دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

در جواب به این پرسشها باید به علم مراجعه کرده نظر آن را بدانیم. دانش زیست شناسی در این باره می گوید: به طور کلی دستگاه گوارش دو عمل اساسی و مختلف را انجام می دهد که یکی گوارش و دیگری جذب غذاست، گوارش در دهان، معده و روده باریک انجام می گیرد و جذب اصلی در روده باریک است.

در بخشهای گوناگون دستگاه گوارش بویژه دهان و معده، ابتدا در اثر اعمال مکانیکی تکه های درشت غذا مبدل به قطعات ریزی می شوند، سپس عوامل شیمیایی خاصی در معده و روده بر روی این ذرات اثر کرده آنها را به مولکولهای ریزتر و ساده ای که قابل جذب بدن است تجزیه می کنند. به کلیه تغییراتی که موجب تبدیل مواد غذایی به مواد قابل جذب سلولها می شود، گوارش یا هضم گویند. نتیجه عمل جذب، انتقال شده از جدار روده باریک و ورود آن به جریان خون است، تا از آن طریق به تمام سلولهای زنده بدن برسد. ۴

در داخلی ترین لایه باریک برجستگی های زیادی هست که به آنها پُرز گفته می شود؛ در قسمت بیرونی این پرزها یک لایه از سلولهای پوششی است که غذا به وسیله آنها جذب می شود. بلافاصله در زیر این لایه، شبکه ای غنی از مویرگهای خونی وجود دارد که مواد غذایی جذب شده وارد این شبکه می شوند. چنان که گفته شد، جذب اصلی در روده باریک انجام می گیرد و معده و روده بزرگ فقط جذب بعضی از مواد را عهده دار می باشند که اگر فقط آنها بخواهند موجودات زنده دارای دستگاه گوارش، انسان و چهارپایان را تغذیه کنند، آن موجود زنده خواهد مرد. ۵

تا اینجا پاسخ پرسش اول روشن شد که مواد گوارشی متعددی، بعضی داخل معده هستند، بعضی داخل روده باریک و بعضی نیز داخل روده بزرگ هستند.

پس تنها آن مواد گوارشی به خوبی قابل استفاده هستند که داخل روده باریک باشند، و مواد گوارشی داخل معده و روده بزرگ، قابل استفاده و مفید برای زنده ماندن نیستند، و البته برای تولید شیر نیز کافی نمی باشند.

اکنون نوبت نظر خواهی از علم درباره خون است، علم می گوید دستگاه گردش خون از قسمتهای زیر تشکیل شده است:

۱. تلمبه ای به نام قلب که با تولید نیروی ابزاری لازم، خون را در رگها حرکت می دهد.

۲. شبکه ای از رگها که خون در آنها حرکت می کند و انشعابات آنها به دورترین نقطه های بدن می رسد.

۳. مایعی به نام خون که مواد غذایی و اکسیژن در آن حل می شود.

رگها سه گونه هستند: سرخرگها، سیاهرگها، مویرگها؛ سرخرگها و سیاهرگها از بدنه ای ضخیم با چند لایه سلول و نیز قطر و طولی زیاد تشکیل شده اند، حال آن که مویرگها طول کم داشته و فقط از یک لایه سلول تشکیل شده اند.

از قلب، سرخرگ بزرگی به نام آئورت خارج می شود که خون اکسیژن دار و غذا دار را به تمام اندامهای بدن می رساند. از جمله آن اندامها روده باریک است. این سرخرگ به شاخه های متعددی تقسیم شده و به عمیق ترین لایه روده باریک نفوذ کرده به درون پرزهای روده می رود، در آن حال دیگر یک سرخرگ بزرگ نیست، بلکه هر پرز، سرخرگ کوچکی از شاخه سرخرگ بزرگ تری



اولین همایش ملی رهیافت های علوم کشاورزی در پرتو قرآن

اسفند ماه ۱۳۹۴

دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

را در خود جای می دهد. این سرخرگ به مویرگهای کوچکی تقسیم می شود که بخاطر دیواره های نازکشان، مواد غذایی جذب شده توسط سلولهای پوششی پرز، می توانند به راحتی به آن داخل شوند.

در این حال این مویرگها حامل خونی می شوند که مواد غذایی فراوانی دارد، سپس این مویرگها به سیاهرگهای کوچکی متصل می شوند که به سیاهرگهای بزرگ تری متصل شده و در نهایت به سیاهرگی می ریزند که خون را به جگر سیاه می برد. مواد غذایی خون این سیاهرگ، پس از ورود به جگر در سلولهای آن نگهداری می شود و تغییر و تبدیلات لازم را می یابد. سپس بنا به نیاز بدن، به تدریج تحویل خون می شود و از طریق گردش عمومی خون به همه نقاط بدن می رسد. ۶

خون از سلولها و مایعی تشکیل شده است؛ مایع خون را پلاسما می نامند که ماده اصلی آن آب است و مواد غذایی و نیز مواد دفع شدنی در آن به صورت محلول یا معلق وجود دارند. اگر چه ماده اصلی خون، پلاسما و سلولهاست، ولی خون از سه جهت متعدد است:

اول، از جهت مواد حمل شونده توسط خون؛ بعضی از خونها دارای اکسیژن یا مواد غذایی فراوان هستند، در حالی که بعضی دیگر این مواد را کم دارند. و نیز بعضی از خونها دارای مواد دفع شدنی زیاد هستند و برخی کم.

دوم، از جهت میزان فشار خونی که از قلب خارج می شود بیشترین فشار را دارد، در حالی که خونی که به قلب وارد می شود کمترین فشار را داراست.

سوم، از جهت محل عبور خون؛ خون از اندامهای مختلف بدن عبور می کند و بدین گونه چند خون خواهد بود. و این نه از جهت مواد و ماهیت آن خونهاست، بلکه از جهت خود آنها می باشد. به عنوان مثال اگر در دو لیوان، آب خالص بریزیم، اگر چه از نظر جنس، هر دو یکی هستند، ولی از نظر شخصیت و محل، غیر از یکدیگرند. پس خونی که در یک سرخرگ جریان دارد غیر از خونی است که در سرخرگ دیگری جریان دارد.

اکنون باید ببینیم کدام یک از خونها مورد نظر بوده است.

در پاسخ باید گفت همان طوری که پیش از این گفته شد سرچشمه شیر قبل از سلولهای شیرین پستان، جایی است بین ماده گوارشی (فَرث) و خونی (دم).

پس این خون مورد نظر ما باید خونی باشد که از فاصله میان این خون و نوعی از ماده گوارشی مواد گوناگون را به غده های پستان برساند تا شیر تولید گردد. اگر محلهای ما بین مواد گوارشی در تمام دستگاه گوارش و خونها در تمام دستگاه گردش خون را بررسی کنیم می بینیم که هیچ جایی مناسب تر از حد میانی مواد گوارشی روده باریک و خون مویرگی زیرلایه پوششی سلولی پرزهای روده باریک نیست. چرا که در بین این دو یعنی مواد گوارشی روده باریک و خون مویرگی داخل پرز، یک لایه از سلولهای جذب کننده مواد وجود دارد که با روشهایی که گاه شگفت آور است، مواد غذایی را از ماده گوارشی روده باریک گرفته و آنها را به طرف رگها منتقل می کند.



اولین همایش ملی رهیافت های علوم کشاورزی در پرتو قرآن

اسفند ماه ۱۳۹۴

دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

توضیح اینکه این سلولها به گونه ای هستند که در مقابل مواد غذایی گوارش شده مقاومت نمی کنند و اجازه می دهند تا آنها را از میان شان عبور کنند. البته این در صورتی است که غلظت یک ماده در طرف روده بیش از طرف مویرگها باشد، در غیر این صورت آنها با کمک ابزارهایی و با صرف نیرو آن مواد را از روده گرفته به درون خود می کشند و سپس از طرف دیگر خود آن را به سمت مویرگها خارج می کنند، که این یکی از شگفتی های آفرینش است و به آن در اصطلاح، انتقال فعال می گویند و به عمل کارگری که از پایین آب برداشته به بالا می برد شباهت دارد.

بسیاری از مواد غذایی که از سلولهای پوششی روده باریک می گذرند از دیواره مویرگها گذشته و وارد خون مویرگی می شوند؛ مانند ویتامینها، پروتئین ها، قندها و املاح. ولی چربیها از کنار مویرگهای خونی گذشته و پس از رسیدن به مویرگهای لنفی وارد آن می شوند تا پس از آن به جریان خون شریان آئورت وارد شوند. ۸

اما پیش از نتیجه گیری از آنچه گفتیم لازم است از نظریه دانش قدیم درباره جذب غذا آگاه شویم.

بوعلی سینا در کتاب (قانون) خود که چهار قرن پس از قرآن نوشته شده به دخالت سلولهای پوشش روده در جذب غذا معتقد نبود، بلکه رگها را عامل جذب غذا می دانست، او در این زمینه می نویسد:

(... در این زیاد بودن و درازی پیچ و خم و دور و استداره حکمتی نهفته است: رگهای پیوسته به کبد و معده (از کبد به معده و از معده به کبد) دهانه هایشان در پرده پوشش نازک معده یا حقیقتاً در پرده پوشش نازک روده ها (صفاق) نفوذ کرده که ماده غذایی لطیف را به شرطی که گوهر ماده غذایی به آنها برسد و با دهانه ها در تماس باشد، می مکنند... خداوند تعالی پیچ در پیچ هایی در روده ها به وجود آورده است تا اگر ماده غذایی در جزئی از اجزاء روده بدون برخورد با دهانه رگ مکنده جلو برود، در قسمتی دیگر با بخش دیگری از رگهای مکنده غذا از روده مواجه شود و آنچه که از دسترس بعضی رگها خارج شده، رگهای دیگر سر راهش باشند و آن را دریابند). ۹

از سخنان بوعلی چنان فهمیده می شود که دهانه رگها به مواد گوارشی روده باز می شود و سپس آن رگها مواد غذایی را از مواد گوارشی داخل روده به طور مستقیم جذب می کنند. برابر این نظریه دیگر فاصله ای بین (فَرث) و (دَم) وجود ندارد تا کسی به خود حق بدهد و برای فاصله آن دو از کلمه (بین) استفاده کند.

اما قرآن در آیه یادشده از فاصله ای بین آن دو خبر می دهد و مواد شیر را تهیه شده از آن فاصله اعلام می دارد و علم امروز نیز همین را می گوید.

ناآگاهی دانشمندان بزرگ زیست شناسی و فیزیولوژی حیوانی درباره وجود سلولهای پوششی روده و کارهای مهم آن تا پیش از دوازده قرن پس از نزول قرآن ادامه داشت. ۱۰

نتیجه اینکه، این یک اعجاز قرآن است، زیرا دیگران از گفتن آن و یا گفتن مانند آن عاجز بوده اند، همچنین قرآن به گونه ای آن را گفته که مؤمنینی که حقیقت آن را دریافته اند بی ایمان نشوند و کافران از آن علیه مؤمنان سود نبرند، و نیز حقیقت آن تا زمان



اولین همایش ملی رهیافت های علوم کشاورزی در پرتو قرآن

اسفند ماه ۱۳۹۴

دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

دستیابی دانش بشری آشکار نگردد، و بدین گونه برای زمانه ای دیگر و مردمانی دیگر معجزه ای تازه و در خور زمانه و فرهنگ آنان به آنها ارائه شود، تا آسمانی و خدایی بودن قرآن را بپذیرند و به آن ایمان آورند.

علم امروز درباره هضم و جذب غذا و تولید شیر می گوید: غذا پس از آن که در دهان جویده و هضم مختصری شد، به وسیله لوله مری وارد معده می شود، در آنجا شیره معده ترشح، و غذا هضم زیادی شده تبدیل به کیموس می شود و بعد وارد روده باریک می گردد در آنجا هم موادی به این مایع غلیظ اضافه می شود. روده از لایه های تودرتویی ساخته شده، داخلی ترین لایه روده باریک، سلولهای پوششی هستند که چسبیده به هم روی پرزهای روده را پوشانده اند. این پرزها زمینه مخمل مانندی را به داخل روده داده، غذا بوسیله این سلولها جذب می شود.

بلافاصله در زیر آن یک شبکه غنی از مویرگهای خونی وجود دارد که قندها، اسیدهای آمینه، آب و نمک وارد این شبکه می شوند. این شبکه مویرگی که از یک سرخرگ کوچک پرزی منشعب می شود، پس از جمع آوری مواد غذایی به یک سیاهرگ کوچک پرزی منتهی می شود. سیاهرگ کوچک پرزهای روده به نوبه خود به سیاهرگهای بزرگ تر می پیوندد و سرانجام وارد یک سیاهرگ به نام سیاهرگ باب می شوند. این سیاهرگ بر خلاف سیاهرگهای دیگر بدن که به طور مستقیم به قلب می روند ابتدا وارد کبد می شود. مواد غذایی پس از ورود به کبد در سلولهای کبدی نگهداری می شوند و تغییر و تبدیلات لازم را می یابند، سپس بنا به نیاز بدن به تدریج وارد خون می شوند و از طریق گردش عمومی خون به همه نقاط بدن می رسند، در واقع کبد به منزله یک انبار و تنظیم کننده و پخش کننده مواد غذایی جذب شده است.

در محور هر پرز، یک مویرگ لنفی دیده می شود که انتهای آن بسته است و چربیهای جذب شده وارد آن می شوند.

درون هر پرز سلولهای ماهیچه ای صاف و رشته های عصبی نیز دیده می شوند. انقباض این ماهیچه ها موجب تحرک پرز شده و از این طریق به جذب مواد کمک زیادی می کنند. هنگامی که غذا به انتهای روده باریک می رسد، تقریباً تمام مواد غذایی قابل استفاده آن از طریق دیواره روده باریک به خون جذب شده است.

تولید شیر نیز بدین گونه است که سلولهای شیرساز پستان، بعضی از مواد را با تغییر و تبدیلات لازم در ساختن شیر استفاده می کنند، مانند پروتئینها و قند شیر (لاکتوز) که به ترتیب از تغییر و تبدیل اسیدهای آمینه و گلوکز خون به وجود می آید. و بعضی از مواد را بدون تغییر و تبدیل وارد محلول شیر می کنند؛ مانند آب و نمک طعام و ویتامینها و فسفاتها (هوشیار، ۱۳۷۹).

تفسیر اختصاصی کاربرد پشم دام در زندگی انسان

معادل عربی واژه پشم «صوف» است. کُرک نیز که گونه ای پشم به شمار می رود «وَبْر» نامیده می شود. پشم پس از پنبه، مهم ترین ماده سازنده پارچه است و احتمالاً نخستین الیافی بوده که بشر آن را به پارچه تبدیل کرده است. (دائرة المعارف فارسی، ج ۲، ص ۵۴۷). تولید پوشاک پشمی و استفاده از آن در یونان باستان و در میان یهود و نیز میان عرب قبل از اسلام مرسوم بوده و بیابان نشینان عرب را «اهل الوَبْر» می گفتند. این دو واژه (نحل / ۱۶، ۸۰) و همچنین «عَهْن» (معارج / ۷۰، ۹؛ قارعه / ۱۰۱، ۵) مستقیماً و واژه های «دَف» (نحل / ۱۶، ۵)؛ «لباس»، «ریش» (اعراف / ۷، ۲۶) و «فرش» (انعام / ۶، ۱۴۲) به طور غیر مستقیم با این موضوع مرتبط اند.



اولین همایش ملی رهیافت های علوم کشاورزی در پرتو قرآن

اسفند ماه ۱۳۹۴

دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

کاربردها و منافع پشم:

در آیاتی از قرآن به استفاده از پشم و کرک جهت تهیه لوازم منزل، اشاره شده است: «... جَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَمِ ... وَ مِنْ أَسْوَاقِهَا وَأَوْ بَارِهَا وَأَشْعَارِهَا

أَثْثًا وَ مَتَعًا إِلَى حِينٍ». (نحل/۱۶، ۸۰)

ذکر پشم در زمره نعمتهای الهی بیانگر رحمت و لطف خداوندی در تهیه اسباب رفاه انسان و تأمین نیازهای اساسی وی در زندگی و در نتیجه لزوم تفکر و اندیشه در این نعمتها و توجه به ناپایداری آنهاست. (جامع البیان، مج ۸، ج ۱۴، ص ۱۰۶) در برداشتی فقهی از این آیه جواز به کارگیری پشم استفاده شده است. در همین راستا در پاکی و نجاست پشم مردار اختلاف شده است؛ فقیهان شیعی و مالکی و حنفی، آن را از اجزای بدون روح دانسته، به پاکی آن حکم کرده‌اند؛ ولی شافعی آن را دارای روح دانسته، به نجاست آن حکم کرده است. حنبلیان آن را پاک دانسته‌اند، چون ظاهر آیه مزبور عام است و مُردار را نیز در برمی‌گیرد؛ ولی برای رفع آلودگی احتمالی پشم مُردار، به شستن آن قبل از استفاده حکم کرده‌اند.

در ابتدای سوره نحل نیز پس از بیان آفرینش آسمان و زمین و انسان، خلقت چارپایان و منافع آنها مطرح شده است: «وَالْأَنْعَمَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَ مَنَفِعٌ وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ». (نحل/۱۶، ۵) در این آیه بر انسان منت نهاده شده که خداوند، چارپایان را برای او آفریده و آنها را به تسخیرش درآورده است، به گونه‌ای که از پشم و موی آنها، لباس گرم ساخته، منافع دیگری نیز به او می‌بخشند. گروهی از مفسران منظور از «دِفْء» را لباس و گروهی دیگر، مطلق گرمابخشهای ساخته شده از مو و پشم چارپایان مانند لباس، رختخواب، خیمه و ... دانسته‌اند. برخی نیز «أنعم» را به شتر و «دِفْء» را به محصولات به دست آمده از آن منحصر ساخته‌اند.

این آیه را گروهی، دلیل مشروعیت و بلکه فضیلت استفاده از لباس پشمی دانسته‌اند و چنان‌که نقل شده پیامبر اسلام و دیگر پیامبران مانند موسی و هارون و عیسی (علیهم السلام) نیز لباسهای پشمی می‌پوشیدند. [فلسفه پشمینه‌پوشی این رهبران دینی در کلام علی (علیه السلام) از بین بردن اثرات منفی فقر بر تهیدستان دانسته شده است، افزون بر این به طور کلی پشمینه‌پوشی، سمبل پارسایی و لباس صالحان و عارفان و... شمرده شده است. برخی این سنت زاهدان و پارسایان را وجه نامگذاری متصوفه دانسته‌اند. برخی دیگر این اشتقاق را مردود دانسته‌اند. خرقره‌پوشی متصوفه گاه شیوه‌ای ریاکارانه برای تظاهر به پارسایی بوده که روایات حاکی از مذمت خرقره‌پوشی از روی تفاخر و فضل‌فروشی به آن اشاره دارند.

نعمت «پوشش» در آیه ۲۶ اعراف/۷ نیز مورد توجه قرار گرفته است: «يَبْنِي ۤءَادَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوْءَ تِكْمٍ وَ رِيشًا». منظور از فروفرستادن لباس از سوی خداوند، می‌تواند آفرینش مواد نخستین آن مانند پشم و پنبه و آموختن راه بهره‌برداری از آن به انسان باشد. آیه ۱۴۲ انعام/۶ با اشاره به نعمت چارپایان به نحوی دیگر به موضوع پشم پرداخته است: «وَمِنَ الْأَنْعَمِ حَمُولَةٌ وَ فَرَشًا ...». در تفسیر واژه «فرشاً» آرای گوناگونی از جمله «گسترده‌نیها و فرشهای ساخته شده از پشم چارپایان» بیان شده است.

تشبیه کوهها در آستانه قیامت به پشم زده شده:



اولین همایش ملی رهیافت های علوم کشاورزی در پرتو قرآن

اسفند ماه ۱۳۹۴

دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

طبق آیات گوناگون قرآن، به هنگام قیامت کوهها چون پشم رنگین: «و تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ» (معارج/۹، ۷۰) یا پشم رنگین زده شده: «و تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ» (قارعه/۵، ۱۰۱) می شوند. منظور از تشبیه کوهها به پشم زده شده آن است که کوههای محکم و فشرده، نرم و سُست شده، اجزای آن در هوا پراکنده می گردد. این تشبیه به روشنی صحنه دهشتناک قیامت* را به تصویر می کشد.

در وجه تشبیه کوهها به پشم رنگین و نه مطلق پشم، وجوه گوناگونی گفته شده است؛ برخی چنین احتمال داده اند که منظور آیه کوههای آتش است که به جهت شدت سرخی و شعله‌ور شدن به سان پشم قرمز زده شده درمی آیند. یا اینکه گفته شده: علت این تشبیه آن است که اولاً کوههای گوناگونی دارند (فاطر/۲۷، ۳۵) و دیگر اینکه بر اثر زلزله قیامت، کوهها به شدت به هم می خورند و همچون پشم رنگین پراکنده می شوند و از برخورد آتشین آن، سراسر آسمان سرخ می شود. برخی نیز منظور از «عِهْن» را ضعیف ترین و سست ترین نوع پشم دانسته اند (مجدی، ۱۳۸۲)

نتیجه گیری

اهمیت اقتصادی مرتع به نوع فرآورده و ارزش فرآورده‌های ارتباط دارد که از مرتع به دست می آیند. فرآورده‌های مرتع شامل علوفه مرتعی و فرآورده‌های غیرعلوفه‌ای یا تولیدات فرعی مرتع است. مرتع بهترین منبع تغذیه دامها است. قرآن به تفسیر تمامی جنبه‌های کاربرد دام‌های مختلف چرا کننده در مرتع را در سوره‌های مختلف آورده و تمام حقایق قرآن امروزه در علم ثابت شده است و این اعجاز قرآن است. و این دریای ژرف هرگز پایانی ندارد.

منابع

- ۱- جمالی احمد. ۱۳۸۲. بز: دایره المعارف قرآن کریم (جلد ۵) انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- ۲- خراسانی، محمد. ۱۳۸۲. انعام: دایره المعارف قرآن کریم. جلد ۴. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- ۲- طبری، محمد بن جریر. جامع البیان.، ناشر: دار المعرفه محل نشر: بیروت - لبنان
- ۳- طوسی، محمد بن حسن. التبیان، ۷ جلدی
- ۴- فضل بن الحسین الطبرسی. مجمع البیان (قدس سره
- ۵- مکارم. تفسیر نمونه. ۲۷ جلدی
- ۶- علامه طباطبایی. المیزان.
- ۷- مجدی، عبدالصمد. ۱۳۸۲. پشم: دایره المعارف قرآن کریم (جلد ۵) انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- ۸- هوشیار، رضا. ۱۳۷۹. نشانه‌ای از اعجاز علمی قرآن. پژوهشهای قرآنی شماره ۲۳ و ۲۴ ویژه نامه امام علی (علیه السلام)